

**Research Article**

Settlement of Nomadic Tribes: Goals, Performances and Results

Mirvali Safarzadeh Vahed¹ 

¹- Master of Public Administration of Tehran University, Tehran, Iran. (Corresponding Author: msafarzadehvahed@gmail.com)

Abstract

Despite numerous opponents and proponents of the plan for settling the nomadic community, this community, like urban and rural communities, must benefit from development programs in order to elevate and improve their living standards and to enjoy and utilize existing resources and capacities. Nomadic areas possess capacities for development, increased production, and employment; however, the nomads themselves, due to a lack of technical and financial capability, are unable to exploit them. On the other hand, due to the increase in the nomadic population and the limited capacity of the utilized pastures, it is not possible to employ the added individuals in pastoral livestock farming through nomadism. Under these circumstances, the surplus nomads must either migrate to cities and be removed from the productive community, or they must change their livelihood method and choose occupations and income sources other than pasture-based livestock farming within their living territory, and through sedentarization, remain while benefiting from productive development indicators. The research method of this study was descriptive-analytical, carried out by examining existing sources through library research and interviews with stakeholders, and by utilizing the author's lived executive-management experience. The findings revealed that managed settlement in the nomadic community can be distinguished and divided into two periods: before the victory of the Islamic Revolution (the first period: from 1933, with the aim of subduing the power of the nomads and by force) and after the victory of the Islamic Revolution (the second period: from 1978, with the aim of respecting and providing services to the nomads and expanding justice based on their will and with their participation). Finally, based on the findings, suggestions were presented for the use of the scientific-executive audience in this field.

Article Info

Keywords:

*Nomadic Society;
Transhumant
Pastoralists;
Settlement;
Goals of
Settlement;
Performances of
Settlement;
Results of
Settlement.*

Article History:**Received:**

01 October 2024

Accepted:

02 November 2024

Available online:

15 December 2024

How to Cite: Safarzadeh Vahed, M. (2024). Settlement of Nomadic Tribes: Goals, Performance and Results. *Journal of Zakhayer-e Enghelab (Pastoral Nomads)*, 3(2), 25-40. [10.22034/JZEPN.2025.518637.1018](https://doi.org/10.22034/JZEPN.2025.518637.1018) [in Persian]





فصلنامه ذخایر انقلاب (عشایر)

Journal Homepage: <https://www.jzepn.ir/>

مقاله پژوهشی

اسکان عشایر کوچنده: اهداف، عملکرد و نتایج

میرولی صفرزاده واحد^۱ ^۱ - کارشناس ارشد مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول: msafarzadehvahed@gmail.com)

اطلاعات مقاله

واژگان کلیدی:

جامعه عشایر؛

کوچندگی؛

اسکان؛

اهداف اسکان؛

عملکردهای اسکان؛

نتایج اسکان.

تاریخ‌ها:

دریافت مقاله:

۱۰ مهر ۱۴۰۳

پذیرش مقاله:

۱۲ آبان ۱۴۰۳

انتشار برخط:

۲۵ آذر ۱۴۰۳

چکیده

علیرغم وجود مخالفان و موافقان زیاد طرح اسکان جامعه عشایری، این جامعه، همانند جوامع شهری و روستایی، برای ارتقاء و بهبود سطح زندگی و برخورداری و بهره‌مندی از منابع و ظرفیت‌های موجود، می‌بایست، از برنامه‌های توسعه بهره‌مند شوند. مناطق عشایری دارای ظرفیت‌هایی برای توسعه، افزایش تولید و اشتغال هستند، اما، خود عشایر، به دلیل کمبود توان فنی و مالی، امکان بهره‌برداری از آنها را ندارند. از طرف دیگر، به دلیل افزایش جمعیت عشایر و محدودیت ظرفیت مراتع مورد بهره‌برداری، امکان اشتغال افراد اضافه‌شده به دامداری در مرتع به‌روش کوچندگی وجود ندارد. در این شرایط، عشایر اضافه‌شده یا باید راهی شهرها شده و از جامعه تولیدکننده حذف شوند یا باید تغییر شیوه معیشت داده و اشتغال و منابع درآمدی غیر از دامداری مبتنی و متکی به مرتع را در قلمرو زیست خود برگزینند و با یکجانشینی همراه با برخورداری از شاخص‌های توسعه مولد باقی بمانند. روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی بوده که از طریق بررسی منابع موجود، به‌صورت کتابخانه‌ای و مصاحبه با دست‌اندرکاران و بهره‌گیری از تجربه زیسته اجرایی-مدیریتی نگارنده انجام شده است. یافته‌ها مشخص ساخت، اسکان مدیریت‌شده در جامعه عشایری به دو مقطع قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (مقطع اول: از سال ۱۳۱۲ با هدف مهار قدرت عشایر و به اجبار) و به بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (مقطع دوم: از سال ۱۳۵۷ با هدف تکریم و آرایه خدمات به عشایر و بسط عدالت براساس خواست و با مشارکت عشایر) قابل تفکیک و تقسیم است. در نهایت، بر اساس یافته‌ها، پیشنهادات جهت بهره‌برداری مخاطبان علمی-اجرایی این حوزه ارائه گردید.

استناددهی: صفرزاده واحد، میرولی. (۱۴۰۳). اسکان عشایر کوچنده: اهداف، عملکرد و نتایج. ذخایر انقلاب (عشایر)، ۳(۲)، ۲۵-

10.22034/JZEPN.2025.518637.1018، ۴۰



۱. مقدمه

پذیرش بخشی از تنگی معیشت، سعی در حفظ منابع داشته و بخشی از جمعیت مازاد بر ظرفیت منابع طبیعی را برای تأمین معیشت به روش‌های دیگری هدایت نموده‌اند.

از این‌رو، برای تأمین معیشت افرادی که به سن بلوغ رسیده و یا تشکیل خانواده می‌دهند، می‌بایست طرح و برنامه‌ای تدوین می‌شد تا بار زندگی آنها بر ظرفیت محدود منابع طبیعی تحمیل و موجب تخریب و عدم تعادل آن نگردد. این نوع طرح‌ها و برنامه که از آن به عنوان اسکان یاد می‌شود، به‌طور قطع، منجر به تغییر الگوی زیست بخشی از جامعه عشایر کوچنده شده است. البته اسکان عشایر کوچنده همیشه بر این منوال نبوده و گاهی به دلایل سیاسی-سیاستی، اجتماعی، امنیتی و غیره، خارج از این روال، مبادرت به اسکان عشایر می‌شده که نمونه معاصر آن دستور تخت قاپوی عشایر در زمان پهلوی اول با هدف توسعه و نوسازی (در ظاهر) و کاهش قدرت سران ایلات و طوایف (در باطن) بوده است.

همانطوری که بیان شد زندگی عشایر کوچنده بر اساس وابستگی به دامداری است و بخش عمده‌ای از تغذیه دام این جامعه، از طریق بهره‌برداری از علوفه مرتعی تأمین می‌شود. محدودیت منابع علوفه‌ای طبیعی، محدودیت تعداد دام و به تبع آن محدودیت تعداد دامدار (عشایر) را در پی داشته و دارد. لذا محدودیت ظرفیت مراتع اجازه اضافه شدن تعداد خانوار را نمی‌دهد و لازم است افزایش جمعیت جامعه عشایری در حد امکان به نحو مناسب مدیریت می‌شد تا هم فشار حاصل از چرای دام موجب تخریب مراتع و محیط‌زیست نشود و هم عشایر مازاد به شکل مطلوب ساماندهی شوند.

مسأله‌ای که وجود دارد این است؛ اولاً، آیا در گذشته، رویکردهای اسکان عشایر به درستی

الگوی زیست عشایر کوچنده، بر سه بُعد وابسته و پیوسته "انسان، دام و منابع طبیعی" بنیان دارد و اگر مدیریت این سه بُعد، هماهنگ، یکپارچه و خردمندانه نباشد و در طول زمان، تعادل و تناسب هم‌تأثیری بین آنها رعایت نشود، هر سه بُعد، لطمه جدی خواهند دید. انسان، به عنوان رکن اصلی تأمین معاش و درآمد، دام به عنوان منبع تأمین درآمد و منابع طبیعی به عنوان بستر فراهم‌کننده حیات دام و گذران زندگی انسان (دامدار)، این پیوستگی و آمیختگی را در ابعاد و ارکان زندگی جامعه عشایری ایجاد کرده‌اند.

در این شیوه زندگی، "وابستگی ایلی و تعلق ایلی به سرزمین"، دو عنصر برانگیزاننده برای استمرار زندگی کوچندگی انسان هستند. عشایر، مرتع و منابع طبیعی قلمرو خود را، به‌حق، متعلق به خود می‌دانند و حاضر نیستند از آن دست بکشند. به همین دلیل، از ابتدای تاریخ کوچ، این رابطه برقرار بوده است. ممکن است، حسب ضرورت و اقتضائات، مالکیت و حق بهره‌برداری از یک سرزمین، دست‌به‌دست شده باشد، اما، هیچ‌گاه، بی-صاحب نبوده و نمانده است؛ حتی زمانی که حکومت‌ها سیطره خود را بر آن رانده و به ناحق، عشایری که مالک/بهره‌بردار واقعی آن بوده‌اند را مستأجر و غیرمالک شمرده‌اند.

جامعه عشایری همانند سایر جوامع، زادوولد داشته و به طور طبیعی، در طول تاریخ، جمعیت آن افزایش یافته است، اما با توجه به محدودیت ظرفیت منابع طبیعی، بر اساس دانش بومی و تجربیات و خرد جمعی سران و بزرگان ایلی، طایفه و غیره، به‌منظور حفظ اصلی‌ترین منابع حیاتی، میزان بهره‌برداری خود را با ظرفیت منابع هماهنگ و متناسب کرده‌اند. حتی در شرایط نامساعد اقلیمی، مانند سال‌های خشک با تنظیم حضور خود و

است که در یک روند تکامل تاریخی، اجتماعی و اقتصادی به تدریج به یکجانشینی به شکل سکونت در روستا و شهر انجامیده است (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۹۲).

اسکان عشایر پدیده‌ای است که با رویکردهای مختلفی از سال (۱۳۱۲) تاکنون به آن پرداخته شده و متناسب با رویکرد غالب هر دوره که نشأت گرفته از اهداف و سیاست‌های حاکم بر همان دوره می‌باشد، طرح‌ها و برنامه‌های مختلفی تصویب و اجراء شده است (صالحی، ۱۳۸۴). اگر این پدیده به صورت اختیاری و با تمایل و رغبت خود عشایر صورت بگیرد، موثرترین راهبرد پذیرفته شده برای حل مشکلات این قشر است (ریاحی و کریمی، ۱۳۹۶).

در ایران، شروع مدیریت اسکان عشایر به شکل سازمان‌یافته، مربوط به اوایل دوران پهلوی اول، با رویکرد اسکان اجباری (مشهور به سیاست تخت-قاپوی ایلات و عشایر)^۱، با ظاهر توسعه و نوسازی اما با اهدافی همچون مهار قدرت سران عشایر، یکپارچه‌سازی قدرت سیاسی و حذف قدرت‌های محلی خوانین و سران ایل^۲ و اجرای برنامه‌های توسعه، دست‌اندازی بر منابع طبیعی و اراضی کشاورزی بود. طرح اسکان، به‌عنوان یکی از سیاست‌ها و برنامه‌های کلیدی حکومت پهلوی اول برای نوسازی کشور در سال‌های (۱۳۰۴ تا ۱۳۲۰) شمس‌ی بود. هدف اصلی این طرح، تثبیت عشایر و جلوگیری از کوچ‌نشینی آنها بود تا بتوان به افزایش امنیت، توسعه اقتصادی و ایجاد دولت مرکزی

انتخاب و اجرا شده است (اثرات اسکان عشایر در زندگی آنها و حفظ منابع طبیعی مثبت بوده است)؛ و دوماً، ادامه دادن اسکان لازم است یا خیر؟ اگر لازم است با چه رویکردی انجام شود؟ در مقاله حاضر، ضمن کنکاش وضعیت و روند تاریخی اسکان عشایر، رویکردها، چرایی و باید و نبایدهای این مقوله بررسی شده است.

۲. ادبیات و مبانی نظری

۱،۲. تاریخچه اسکان عشایر

قدمت اسکان و یکجانشینی متناسب با شرایط محیطی و اقتضات مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و غیره، به‌اندازه تاریخ بشر است. از بدو زندگی اجتماعی بشر، کوچ و حرکت فردی و جمعی انسان‌ها برای استفاده از شرایط آب‌وهوایی و بهره‌گیری از منابع طبیعی و تأمین غذا وجود داشته و به تدریج و حسب ضرورت بخشی از جامعه مبادرت به سکونت دائم نموده‌اند. البته باید توجه داشت، الگوی زندگی کوچ‌نشینی پس از انقلاب صنعتی و با گسترش فرهنگ و فنون غرب، به‌مرور زمان، رو به زوال نهاد (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۶۷).

تا پیش از کشت نباتات و اهلی ساختن حیوانات، امکان زندگی به شکل یکجانشینی (ده-نشینی و شهرنشینی) وجود نداشته است. به‌طور کلی، انسان نزدیک به ۹۹ درصد از دورانی را که در این کره خاکی گذران کرده، از راه شکار و گردآوری خوراک زیست نموده است (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۶۷). از زمانی که بشر به فن اهلی کردن حیوانات و کشاورزی و پس از آن صنعت دست یافت، سکونت، اسقرار دائم و یکجانشینی را انتخاب نمود. اسکان عشایر نیز از این قاعده مستثنی نیست و در طول تاریخ جاری بوده است. اگر با رویکرد تاریخی به جامعه عشایری ایران نگریسته شود، این جامعه، سرآغاز سکونت و فعالیت در فلات ایران

^۱- این سیاست سه بخش اصلی داشت: خلع سلاح عشایر؛ اسکان دائم آنها و تضعیف قدرت سران ایلات و عشایر.

^۲- خوانین و سران ایل که در زمان قاجار و حتی قبل از آن مناطقی از کشور را به صورت محلی تحت حکمرانی خود داشته و حکومت مرکزی وجود آنها را در شرایط غیرساکن و با مدیریت ایلی منسجم برای خود تهدید محسوب می‌کرد.

اسقرار ایلات و عشایر از مناطقی به منطقه دیگر می‌نمودند، ولی اسکان مدیریت شده، به پس از استقرار حکومت پهلوی اول برمی‌گردد.

۳. روش‌شناسی

روش تحقیق بر اساس هدف توصیفی و بر اساس زمان، گذشته‌نگر است. داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی و در مواردی از طریق پرسشگری از دست‌اندرکاران و نیز با بهره‌گیری از تجربه زیسته نگارنده گردآوری شده است. تحلیل داده‌ها بر اساس روش پیکربندی مطالب در راستای پاسخ به پرسش‌های پژوهش انجام شد.

۴. یافته‌ها و بحث

با در نظر گرفتن رویکردها و اهداف مورد نظر، اسکان و یکجانشینی عشایر در ایران را می‌توان به دو دوره پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی (دوران حکومت پهلوی اول و دوم، و جمهوری اسلامی) تقسیم کرد که در ذیل اهداف رویکردهای این دو دوره بیان می‌شود.

۱.۴. اهداف اسکان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی

بر اساس منابع موجود، هدف اصلی حکومت پهلوی از اسکان ایلات و عشایر کوچنده، عبارت بود از: "توسعه بخشی به خدمات؛ مهار قدرت سیاسی و نظامی آنان؛ گسترش دامداری سنتی؛ و کاستن از بودجه نظامی". اما در واقع، هدف اصلی حکومت پهلوی از اسکان، مهار قدرت سیاسی، نظامی، ایلی و اجتماعی این قشر از جامعه بود. در این زمینه، حکومت، با متقاعد کردن تعداد زیادی از سران عشایر، تاحدودی، موفق شد که تعداد زیادی از عشایر را وادار به اسکان نماید و با هدایت و

دست یافت و از امنیت و توسعه (پایدار) در کشور بهره‌برداری کرد.

در دوره حکومت پهلوی دوم، سیاست اسکان و یکجانشینی عشایر، با کم‌شدن اجبار ادامه داشت اما با مروری بر برنامه‌های توسعه پنج‌گانه (۱۳۲۷-۱۳۵۶)، می‌توان دریافت که توجه خاصی به جامعه عشایری (چه کوچندگان و چه اسکان‌یافتگان) نشد، به‌نحوی که:

- در برنامه اول، هیچ نشانی از عشایر وجود نداشت؛
- در برنامه‌های دوم و سوم، تنها چند پروژه محدود با نیت خاص مطرح و اجرایی شد که به غیر از پروژه آموزش و مدارس عشایری، تأثیرات منفی آن‌ها برای عشایر بسیار بیشتر از تأثیرات مثبت آنها بود؛
- در برنامه چهارم، از (۱۰۴) طرح عمرانی، فقط یک طرح با عنوان "آبادانی مناطق عشایری" سهم عشایر بود. همچنین طرح "توسعه و تجهیز تعلیمات عشایری"، در این برنامه ذیل فصل عمران دهات و آموزش گنجانده شده بود. البته، سازمان‌های منطقه‌ای مانند کهکیلویه و بویراحمد و جیرفت و غیره، در این برنامه اعتبارت مصوب داشتند؛
- این طرح‌ها در برنامه پنجم نیز با اعتبارات مصوب محدود درج شده بودند (رضایی، ۱۳۹۶).

در یک جمع‌بندی، می‌توان بیان نمود که اسکان عشایر کوچنده به صورت خودجوش و بر اساس مقتضیات زمان و توان منابع در دسترس، سابقه‌ای به قدمت عمر بشر به‌خصوص پس از اهلی کردن حیوانات با شکل و شمایل فعلی داشته است. اگرچه، در ادوار تاریخی، به صورت موردی و حسب ضرورت، حکومت‌ها مبادرت به کوچاندن و

عشایری از امکانات زیربنایی مانند آموزش و پرورش، تأمین راه، تأمین آب سالم (ثابت و سیار) کمک شایانی شد.

در سال‌های دهه ۶۰ خورشیدی، با شناخت و مطالعه تدریجی جامعه و مناطق عشایری، وضعیت این جامعه مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به وجود منابع آب و خاک مستعد و همچنین رشد واقعی جمعیت که حدود چهار درصد بود، مسئله عدم توان و ظرفیت مراتع برای تأمین علوفه دام به دلیل افزایش تعداد دام‌های جدید و بهره‌برداران، به چالشی جدی تبدیل شد.

بر این اساس، برای جلوگیری از مهاجرت فرزندان عشایر و افرادی که به هر دلیلی تمایل به کوچ نداشتند و همچنین، به منظور پیشگیری از حاشیه‌نشینی و انتخاب مشاغل غیرمولد اشخاص مذکور، تدابیری اندیشیده شد و امکان اسکان دائم برای این افراد فراهم گردید. این اسکان به دو صورت حمایت از "کانون‌های اسکان خودجوش" و "کانون‌های هدایتی" در یکی از قطب‌های زیست-بوم (بیلاق یا قشلاق) برنامه‌ریزی و اجرا شد.

در این راستا، سازمان امور عشایر، به همراه سایر دستگاه‌های اجرایی، پس از انجام مطالعات امکان‌سنجی و طراحی زیرساخت‌ها، اقدام به حمایت و هدایت این کانون‌ها نمود. در ابتدا، امکانات و خدمات زیربنایی مرتبط با تولید فراهم گردید و سپس سایر امکانات و خدمات رفاهی مورد نیاز نیز در نظر گرفته شد. این اقدامات به منظور بهبود شرایط زندگی عشایر و حفظ جمعیت آنان در مناطق خود انجام شد و به توسعه پایدار این جامعه کمک شایانی نمود.

جمهوری اسلامی از طریق نمایندگی اجرایی سازمان امور عشایر، اهدافی همچون تکریم و اجابت خواست عشایر؛ جلوگیری از مهاجرت عشایر به شهرها؛ کاهش فشار بر منابع طبیعی و مراتع؛

حمایت‌های لازم برای تغییر کاربری بخشی از مراتع در اختیار آنها و توسعه کشاورزی و دامداری وابسته به کشاورزی و مراتع مستعد در محدوده روستاها، درآمدی حداقلی در حد معیشت ضروری را برای عشایر اسکان‌یافته فراهم نمود. از طرفی، به دلیل عدم حضور عشایر یا نمایندگان آنها در تدوین برنامه‌های توسعه، حتی، حداقل توسعه و رفاه نصیب آنها نشد و بخش عمده‌ای از آنها برای امرار معاش راهی شهرها شده و به عنوان کارگران روزمزد و ارزان به خدمت سرمایه‌داران و شرکت‌های آنها درآمدند.

این روش اسکان مخالفین زیادی داشته و دارد؛ از جامعه عشایری گرفته (به‌عنوان هدف این سیاست) تا دوستداران عشایر و اندیشمندان علوم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و غیره، هر کدام، به نحوی، نقدهای جدی را بر این روش و سیاست وارد کرده‌اند که نتیجه آن هم با برداشته شدن فشار و روی آوردن بخش قابل‌توجهی از عشایر ساکن شده به کوچ مجدد، به‌طور کامل هویدا شده است.

۲.۴. اهداف اسکان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، نگاه رهبری و مسئولین به عشایر، نه به عنوان تهدید، بلکه به عنوان یک فرصت بود و از روزهای آغازین حکومت و بر اساس مصوبه شورای انقلاب به جای واژه "دامداران متحرک"، عنوان "جامعه عشایری" برای آنها انتخاب شد.

متعاقب این تغییر، با تقویت سازمان امور عشایر و شکل‌دهی به شبکه شرکت‌های تعاونی عشایری که در ابتدا با رویکرد تأمین نیازهای اساسی و عدالت اجتماعی بود و سپس با انجام خدمات زیرساختی ادامه یافت، به برخورداری جامعه

نمی‌شد. تنها در چند مورد خاص، مانند دشت مغان در آذربایجان شرقی (در برنامه دوم توسعه) بود که هدف اصلی از آن، تصرف اراضی مرتعی عشایر و ایجاد شهرک‌ها و شرکت‌های کشت و صنعت بوده است.

همچنین، در استان‌های فارس، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه، و سیستان و بلوچستان، در برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم، به صورت موردی و با تخصیص اعتبارات اندک، مطالعاتی در قالب چند طرح توسعه منطقه‌ای انجام شد که بخشی از این طرح‌ها، از جمله طرح عمران مناطق عشایری تنگ بوکان، صحرای باغ، رودخور و چشمه‌عاشق در استان فارس، به خوبی اجرا نشدند.

از این‌رو، با توجه به سیاست اسکان و استقرار اجباری عشایر کوچنده در سال‌های استقرار تا پایان حکومت پهلوی، تعداد زیادی از عشایر کوچنده در روستاها و شهرها ساکن شدند که آمار دقیق آن در دسترس نیست. اما بر اساس اطلاعات و آمار سرشماری‌ها و سایر مستندات، می‌توان حدود آن را تخمین زد. جدول (۱)، بخشی از نتایج این سیاست را نشان می‌دهد.

استفاده بهینه از ظرفیت‌های مناسب و منابع تولید با مشارکت عشایر؛ کمک به تولید کالاهای اساسی مورد نیاز کشور؛ افزایش مهارت از طریق آموزش و ترویج روش‌های علمی تولید محصولات؛ تنوع-بخشی به منابع درآمدی و اشتغال عشایر؛ و ایجاد امکانات زیربنایی و رفاهی برای عشایر را از اسکان عشایر دنبال می‌کرد.

در این دوره، امر اسکان به صورت داوطلبانه و با درخواست خود عشایر و همراه با آموزش‌های لازم برای مهارت‌افزایی در بهره‌برداری از منابع و تولید محصولات زراعی و باغی، مدیریت و اجرا شد. اگرچه اقدامات انجام‌شده خالی از اشکال و ضعف نبوده، ولیکن، با لحاظ نمودن خواست و کرامت انسانی این جامعه، مشارکت و همراهی عشایر داوطلب و نیز ارتقای سرمایه‌ها و دارایی‌های آنها، این اقدامات، نتایج به‌نسبت قابل قبول و عزت-مندانه‌ای را برای عشایر به همراه داشته است.

۳,۴. عملکرد اسکان در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست اسکان عشایر وجود داشت؛ اما در برنامه‌های توسعه آن دوران، توجه جدی به اسکان نظام‌مند و ایجاد سازوکار مشخص برای این امر

جدول (۱) وضعیت و روند تغییرات جمعیت عشایر در مقایسه با کل جمعیت کشور

سال	جمعیت کشور (هزار نفر)	جمعیت عشایر کوچنده (هزار نفر)	نسبت جمعیت عشایر به جمعیت کشور
۱۳۴۵	۴,۴۰۰	۱,۷۰۰	۳۸/۶
۱۳۰۲	۱۰,۰۰۰	۲,۰۰۰	۲۰
۱۳۴۵	۲۵,۸۰۰	۲,۵۰۰	۹/۶
۱۳۵۳	۳۲,۳۰۰	۸۸۰	۲/۷

منبع: (پژوهش حاضر، ۱۴۰۳؛ مرکز آمار ایران)

جمعیت ۲۰ درصدی عشایر کوچنده در سال ۱۳۰۲ (ه.ش)، با شیب تند نزولی به حدود ۲/۷ درصد در

اطلاعات جدول (۱) مشخص می‌سازد که در دوران پهلوی اول و دوم (در حدود ۵۰ سال)،

- ط) کمک به بازاریابی، حمل و فروش فرآورده‌های دامی و صنایع دستی دامداران متحرک اسکان یافته؛
- ک) کمک به تشکیل تعاونی‌های تولید، توزیع و مصرف در مناطق دامداران متحرک اسکان یافته؛
- ل) همکاری با سایر سازمان‌های دولتی و غیردولتی جهت ایجاد هماهنگی در برنامه‌های عمرانی و آموزشی مناطق دامداران متحرک اسکان یافته.

۴.۴. عملکرد اسکان پس از پیروزی انقلاب اسلامی

با پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی، عشایر به‌ویژه عشایر کوچنده، مورد توجه و احترام مسئولان نظام، به‌ویژه حضرت امام خمینی (ره) قرار گرفتند. در این دوره، تأکید بر ارائه حداکثری خدمات به عشایر بود و اسکان عشایر به شکل داوطلبانه و با رعایت شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و فنی، مورد حمایت و هدایت قرار می‌گرفت.

در دهه اول عمر جمهوری اسلامی، علاوه بر خدمات‌رسانی به کوچندگان، به افرادی که تمایل به اسکان دائم داشتند، در کانون‌های خودجوش خدمات لازم ارائه می‌شد. اما در برنامه دوم توسعه، علاوه بر گسترش و توسعه همه‌جانبه خدمات به کوچندگان، فصل و ردیف خاص اعتباری برای مطالعه و اجرای نظام‌مند برنامه‌های ساماندهی در نظر گرفته شد.

در برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم توسعه، علیرغم وجود نوسانات، با رعایت هم‌راستایی با برنامه‌های توسعه ملی، منطقه‌ای و جوامع شهری و روستایی، ارائه خدمات به کانون‌های اسکان عشایری خودجوش و همچنین

سال ۱۳۵۳ رسید (کاهش یافت) که بخشی از این رخداد، به دلیل ایجاد موانع برای کوچ و اعمال سیاست‌های اسکان اجباری بود. علاوه بر اجباری بودن اسکان، نبود برنامه مناسب برای هدایت و حمایت از عشایر اسکان یافته از مهم‌ترین مسائل به‌شمار می‌رفت، زیرا تنها دستورالعمل تهیه شده در این مورد نیز بر روی کاغذ باقی مانده و اجرایی نشده بود. از این‌رو، عشایر بر اساس شرایط و بازار کار، به‌طور عمده در حاشیه شهرها سکونت گزیدند. اگرچه سیاست‌های اسکان نقش موثری در کاهش نسبت جمعیت عشایر داشته، اما نمی‌توانست تنها دلیل این کاهش محسوب شود، زیرا برنامه‌های توسعه شهری با ایجاد زمینه‌های اشتغال، درآمد، رفاه و تحصیل فرزندان و از همه مهم‌تر، محدودیت ظرفیت مراتع برای چرای دام و حضور عشایر در بهره‌برداری از منابع طبیعی، به‌خودی خود بخشی از این روند را تحمیل می‌کرده است.

شایان ذکر است، در سال (۱۳۵۳)، اساسنامه سازمان دامداران متحرک در مجلس شورای ملی تصویب شد. در ماده پنج این اساسنامه، به اسکان عشایر به‌عنوان یک اولویت مهم اشاره شده است و از مجموع ۱۱ بند وظایف سازمان، شش بند (حدود ۶۰ درصد) زیر به موضوع اسکان و امور مربوط به اسکان یافتگان اختصاص دارد.^۲

- الف) مطالعه و شناسایی امکانات و نیازمندی‌های دامداران متحرک در مورد امور دام و اسکان؛
- ب) تهیه، تنظیم، اجرا و نظارت بر اجرای طرح‌های عمرانی و نوسازی مربوط به امور دامداران متحرک؛
- ج) فراهم آوردن موجبات اسکان دامداران متحرک با همکاری وزارت کشور؛

^۲- لازم به ذکر است که این اساسنامه همچنان معتبر و جاری است.

صنایع دستی مبتنی بر بازار و خدمات رفاهی به اسکان یافتگان و متقاضیان اسکان صورت پذیرفت. با توجه به ارقام مندرج در جدول (۲)، مشاهده می‌شود، بر خلاف آمارهای ارائه شده در جدول (۱)، در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روند تغییر جمعیت عشایر کوچنده، روندی منطقی، با شیئی ملایم نسبت به جمعیت کشور و کاهنده بوده که دلیل آن حمایت و هدایت به نسبت درست از اسکان عشایر است.

امکان‌سنجی، مکان‌یابی و طراحی کانون‌های هدایتی همچنان ادامه داشت و با تأمین منابع مالی مورد نیاز، خدمات مناسبی به عشایر داوطلب اسکان ارائه شد. به طوری که ساکنان کانون‌های اسکان از اکثر شاخص‌های توسعه بهره‌مند شدند. همچنین، با واگذاری بخشی از اراضی مرتعی عرفی عشایر و طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و ترویجی، تأمین و انتقال منابع آب، و ارائه خدمات زیرساختی در زمینه تولیدات کشاورزی و دامپروری، اقداماتی قابل توجه برای بهبود کمی و کیفی تولید

جدول (۲) وضعیت و روند تغییرات جمعیت عشایر در مقایسه با جمعیت کشور

سال	جمعیت کشور (هزار نفر)	جمعیت عشایر (هزار نفر)	نسبت جمعیت عشایر به جمعیت کشور
۱۳۶۶	۴۹۵۰۰	۱۱۵۰	۲/۳
۱۳۷۷	۶۲۴۳۲	۱۳۰۴	۲/۱
۱۳۸۷	۷۳۴۷۰	۱۲۰۰	۱/۷
۱۴۰۰	۸۴۰۵۵	۱۱۱۵	۱/۳

منبع: (مرکز آمار ایران)

است. این نوع رویکرد به اسکان، اگرچه ممکن است در مواردی دارای اشکال و نقاط ضعف از جمله پایین بودن نرخ بهره‌وری منابع تولید، افت تولید صنایع دستی و کاهش تولیدات دامی باشد، اما در موارد مختلف دارای اثرات مثبت و سازنده و مبتنی بر اصول توسعه و بهبود زندگی فردی و اجتماعی عشایر است.

بر اساس جدول‌های (۳) و (۴)، با حمایت هدایت دولت به شکل تأمین امکانات و نیازهای زیربنایی و رفاهی، تعداد زیادی از عشایر با حفظ هویت اجتماعی و فرهنگی، مولد بودن، بهبود شرایط زندگی و تثبیت مالکیت بر منابع تولید، ساکن شده‌اند. اوج عملکرد اسکان در برنامه چهارم و کمترین تعداد اسکان در برنامه ششم تحقق یافته

جدول (۳) عملکرد اسکان عشایر در برنامه‌های توسعه

برنامه توسعه	تعداد خانوار	جمعیت	درصد خانوار	ملاحظات
اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)	۵۲۶۱	۳۵۲۴۵	۶	تمدید تا سال (۱۳۷۳)
دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	۲۱۹۳۹	۱۴۶۹۹۱	۲۵	-
سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	۲۱۵۳۴	۱۴۰۰۰۰	۲۵	-
چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸)	۲۳۱۸۸	۱۳۱۶۶۰	۲۷	تمدید تا سال (۱۳۸۹)
پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۴) تا پایان (۱۳۹۳)	۱۴۱۶۰	۷۹۲۹۶	۱۶	تمدید تا سال (۱۳۹۵)
ششم (۱۳۹۶-۱۴۰۰)	۳۷۰	۱۸۵۰	۰/۴	تمدید تا سال (۱۴۰۲)
جمع	۸۶۴۵۲	۵۳۵۰۴۲	۱۰۰	-

منبع: (پژوهش حاضر، ۱۴۰۳)

جدول (۴) تعداد کانون‌های اسکان عشایری طی برنامه‌های توسعه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

برنامه	پایان برنامه سوم	پایان برنامه چهارم	پایان برنامه پنجم	پایان برنامه ششم
فراوانی	۱۱۲۵	۱۴۵۴	۱۴۸۵	۱۴۸۷
تعداد کانون	۴۳	۵۰	۵۷	۵۸
متوسط تعداد خانوار هر کانون				

منبع: (پژوهش حاضر، ۱۴۰۳)

جلوگیری از تصرف منابع آب و خاک عشایر توسط اشخاص فرصت‌طلب، کمک به افزایش تولید محصولات زراعی و باغی کشور و دارایی‌های ثابت عشایر می‌شود که در ادامه تشریح خواهند شد.

الف) نتایج و اثرات اسکان بر تولید

از الزامات اسکان عشایر، تأمین منابع و ایجاد زیربناهای لازم برای بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک موجود در مناطق عشایری و تنوع منابع درآمدی و پایداری بیشتر تولید، اشتغال و در نهایت تثبیت مالکیت عشایر بر بخشی از اراضی و آب موجود در قلمرو زیست‌شان است. در چهار دهه گذشته، با هدایت سازمان امور عشایر و با همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی و مشارکت عشایر، اقداماتی به شرح جدول (۵) انجام شده است.

۴،۵. نتایج و اثرات اسکان بر زندگی عشایر

با توجه به رویکرد برنامه‌های توسعه برای اسکان عشایر که مبتنی بر مطالعات امکان‌سنجی و شناسایی ظرفیت‌های مناطق موردنظر برای تهیه برنامه عملیاتی و تجهیز کانون‌ها، تدوین نظام بهره‌برداری متناسب با نوع فعالیت و شرایط مکانی و اجتماعی و از همه مهم‌تر، مبتنی بر درخواست عشایر صاحب عرف و تلاش برای ارتقای سطح زندگی و جلوگیری از خروج عشایر از عرصه تولید و حاشیه‌نشینی آنها از طریق تجهیز منابع و تأمین خدمات زیربنایی و رفاهی بود، اسکان عشایر تأثیرات مثبتی را به همراه داشت.

این تأثیرات شامل تثبیت مالکیت عشایر بر منابع آب و خاک، تنوع‌بخشی به تولیدات و منابع درآمدی، ارتقای میزان بهره‌وری منابع موجود،

جدول (۵) مطالعه و اجرای منابع تولیدی و زیر ساخت‌های مورد نیاز برای اسکان عشایر

اقدامات	برنامه‌های توسعه				
	سوم	چهارم	پنجم	ششم	جمع کل
عنوان طرح‌ها	۳۰۲	۲۱۴	۲۱۰	۳	۷۲۹
	۱۵۰	۲۳۲	۲۵۱	۲	۶۳۵
	۱۶۳	۲۰۶	۲۷۴	۶	۶۴۳
	۰	۳۵	۵	۰	۴۰
جمع پروژه‌ها					
حجم عملیات	۲۷۴۰۰	۸۳۴۴۶	۵۷۹۲۰	۶۲۲	۱۷۰۳۸۸
	۸۶۲۷۰	۹۱۶۶۷	۸۲۸۹۰	۳۶۱۲	۲۶۴۴۳۹
	۳۹۷۵۰	۳۳۰۵۷	۴۲۷۰۰	۱۶۰۰	۱۱۷۱۰۷

منبع: (گزارش دفتر "برنامه‌ریزی و بودجه" و "مطالعات جامع عشایر سازمان امور عشایر")

افزایش تولیدات زراعی و باغی شده و از طرف دیگر، تولیدات دامی و صنایع‌دستی را با کاهش و

در برخی موارد، اسکان عشایر به مثابه شمشیر دولبه است؛ به‌طوری که از یک طرف منجر به

عشایر اسکان یافته، باعث گردیده که میزان تخریب مراتع و منابع طبیعی کمتر از وضعیتی باشد که اسکان صورت نمی‌گرفت.

ج) نتایج و اثرات اسکان بر بقای زندگی کوچندگی

اگر برنامه اسکان عشایر وجود نداشت، بالغ بر ۸۶ هزار خانوار با جمعیتی بیش از ۵۳۵ هزار نفر از عشایر کوچنده ساماندهی نمی‌شدند و در کانون‌های اسکان به مشاغل غیردامداری یا با تعداد دام کمتر مشغول نمی‌گشتند. به نظر می‌رسد که در صورت عدم اجرای این برنامه، با افزایش تعداد بهره‌برداران و دام‌ها، مراتع عشایری و محیط‌زیست با تخریب بیشتری مواجه می‌شد و ظرفیت مراتع به حدی کاهش می‌یافت که زندگی کوچندگی دیگر توجیه اقتصادی نداشت. در این صورت، عشایر کوچنده به فقر گرفتار می‌شدند و ناچار به ترک دامداری می‌گردیدند، که این امر، آن‌ها را به حاشیه شهرها سوق می‌داد و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی فراوانی را برای خود و جامعه ایجاد می‌کرد.

د) نتایج و اثرات اسکان بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی زیست عشایر

حضور عشایر در کانون‌های اسکان، اولاً باعث حضور و اثربخش بودن این جامعه مولد و زحمت کش در عرصه تولید متناسب با علاقه، مهارت و همراستایی با زندگی مبتنی بر کوچ باعث بالندگی و رشد و شکوفایی بیشتر شده، حفظ فرهنگ ایلی و آئین‌های فرهنگی و اجتماعی خود به عنوان الگویی از جامعه غیرتمند و افتخار آفرین ایرانی از اثرات تغییر، با حداقل فاصله از زندگی کوچندگی است. دوماً عدم مهاجرت آنها به شهرها که دارای فرهنگ و روابط اجتماعی متفاوتی از فرهنگ

افت مواجه کرده است. برای نمونه، بر اساس پژوهش (ریاحی و کریمی، ۱۳۹۶)، اسکان عشایر در دشت شیپلو (شهرستان ماکو، استان آذربایجان غربی)، از نظر تولید محصولات کشاورزی موثر بوده و باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی شده، اما در زمینه دامداری و صنایع دستی تأثیر مطلوبی نداشته است.

ب) نتایج و اثرات اسکان بر مراتع و منابع طبیعی

در خصوص تأثیر اسکان عشایر بر مراتع و منابع طبیعی دو دیدگاه وجود دارد: ۱) اسکان عشایر بر جلوگیری و کاهش تخریب مراتع موثر بوده و ۲) تبدیل بخشی از مراتع عشایری به اراضی زراعی و باغی، منجر به کاهش سطح مراتع شده و با توجه به عدم کاهش دام متناسب با ظرفیت مراتع تغییر کاربری داده شده، فشار بر مراتع موجود زیاد شده و موجب تخریب می‌گردد.

اگرچه هر دو دیدگاه تا حدودی درست است، اما با توجه به شرایط اقتصادی کشور، عدم وجود فرصت اشتغال جمعیت سرریز عشایر - که مازاد بر ظرفیت مراتع است - در سایر بخش‌های اقتصادی و بالا بودن اشتغال و درآمد بخش زراعت و باغبانی نسبت به دامداری در مراتع، اگر اقدامات مربوط به اسکان صورت نمی‌گرفت، به‌طور قطع، بخشی از جمعیت جوان عشایر که هم‌اکنون در کانون‌های اسکان ساکن و یا جایگزین پدران اسکان یافته شده‌اند، به اجبار، به سمت دامداری و کوچ رفته و حضور دام در مراتع بیشتر شده و به تبع آن، میزان تخریب بیشتر می‌شد.

در نتیجه، اسکان عشایر با هدایت بخشی از متقاضیان بالقوه بهره‌برداری از مراتع به بخش زراعت و باغبانی و مشاغل خدماتی مورد نیاز کانون‌های اسکان و نیز کاهش تعداد دام سبک

۵) نتایج و اثرات اسکان بر ابعاد سیاسی و امنیتی زیست عشایر

اهمیت حضور و استقرار دائم عشایر در مناطق دورافتاده و خالی از جمعیت، در راستای آمایش سرزمینی جمعیت در کشور است. حضور عشایر به عنوان مردمی با غیرت، امین، میهن‌دوست و با عرق ملی و میهنی در مناطق مختلف و با تعداد بیش از ۱۵۰۰ نقطه جمعیتی، می‌تواند به عنوان نقطه قوتی در امنیت کشور محسوب شود که عدم حضور آنها نیازمند صرف هزینه‌های زیادی برای تأمین امنیت کشور است.

۶.۴. گونه‌های شیوه زیست عشایر و نحوه برخورد با اسکان

با توجه به مطالب مطرح‌شده درباره اسکان عشایری و دو رویکرد مورد بررسی در شیوه‌های اسکان عشایر در دوره‌های گذشته، عشایر پنج شیوهی زیست را برای زندگی انتخاب کرده‌اند که عبارتند از:

- اسکان کامل: عشایری که تمایل به کوچ نداشته یا اینکه از کوچ منع شده‌اند، برای همیشه در شهر یا روستا اسکان پیدا کرده و هیچکدام از شیوه‌های کوچ را ندارند.
- کوچ و اسکان توأمان: خانوارهای عشایری در یکی از قطب‌های زیست‌بوم و برخوردار از امکانات اسکان یافته و برای استفاده از مراتع قطب مخالف - که معمولاً مراتع بیلاقی است -، مبادرت به کوچ می‌ورزند.
- اسکان و رمه‌گردانی: خانوار عشایر در کانون اسکان، روستا یا شهر اسکان یافته‌اند، ولی برای بهره‌برداری از مراتع قطب مخالف، دام‌های خود را به‌وسیله چوپان و یا یک یا چند نفر از اعضای

عشایری هستند باعث جلوگیری از آسیب پذیری فرهنگی و اجتماعی عشایر شده است.

۵) نتایج و اثرات اسکان بر ابعاد اقتصادی زیست عشایر

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در مجموع، حدود ۳۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی به بهره‌برداری رسید. همچنین، بالغ بر ۱۱۷ هزار لیتر آب تأمین شد. این اقدامات با اخذ مجوز و انجام امور زیرساختی شامل حفر چاه، احداث ایستگاه‌های پمپاژ، اجرای خطوط انتقال و بهسازی و پوشش کانال‌های انتقال آب انجام شد.

در موارد ضروری، طراحی و اجرای شبکه آبیاری و زهکشی نیز تأمین گردید. به این ترتیب، سرانه کل اراضی خانوارهای عشایر از ۰/۷۶ هکتار در سال (۱۳۶۶) به بالغ بر ۳/۱ هکتار افزایش یافت و میزان سهم اراضی آبی نیز افزایش پیدا کرد.^۴ به علاوه، میزان باغات و قلمستان‌های عشایر در سال‌های (۱۳۶۶)، (۱۳۷۷) و (۱۳۸۷) به ترتیب از ۱۵۶۹۹ هکتار به ۲۰،۳۸۹ هکتار و در نهایت به ۶۱،۴۶۶ هکتار افزایش یافت.^۵

به همین ترتیب، میزان تولیدات زراعی و باغی در مناطق عشایری اسکان‌یافته نیز افزایش چشم‌گیری داشته که در حال حاضر، ۸۹/۴ درصد باغات آبی و ۱۰/۶ درصد دیم هستند. علاوه بر آن، سایر تولیدات مانند دامداری با اولویت نگهداری دام سنگین، صنایع دستی مبتنی بر فروش در بازار و مشاغل خدماتی نیز در کانون‌های اسکان به عنوان منابع اشتغال و تأمین درآمد عشایر مطرح هستند.

^۴ - لازم به ذکر است که متوسط سرانه اراضی کشاورزی عشایر از روستاییان بیشتر است.

^۵ - بر اساس آخرین اطلاعات دریافتی از دفتر بهسازی سازمان امور عشایر، این رقم حدود ۷۰ هزار هکتار می‌باشد.

اساس زور و تحکم استوار بود. اما در مقابل، در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، رویکرد اصلی، حمایت از کوچ‌نشینان، تأمین نیازهای آنها و حمایت و هدایت داوطلبان اسکان در حد ظرفیت منابع موجود مبتنی بر عدالت اجتماعی، مشارکت و گزینش آزادانه برای شیوه زندگی بود و هست.

با نگاهی عقلایی به موضوع، می‌توان اذعان نمود که زندگی کوچ‌نشینی اعضای خانوارهای عشایر، ضمن توأم بودن با سختی، موجب عقب‌ماندگی آنها، به‌ویژه فرزندان‌شان، از شاخص‌های توسعه و عدم بهره‌مندی از برنامه‌های دولت شده است. از این‌رو، با رد اسکان یا کوچ محض و همچنین اسکان و کوچ توأمان به دلیل فشار بیش از حد به منابع طبیعی و مشکلاتی که برای خانوارهای عشایر به وجود می‌آورد، و با توجه به اینکه حدود ۳۲ میلیون هکتار از مراتع خوب و نسبتاً خوب کشور در اختیار عشایر قرار دارد، بهترین گزینه برای عشایر، شیوه زیست "اسکان و رمه‌گردانی" است. این رویکرد به توسعه مناطق و جامعه عشایری و تأمین شاخص‌های رفاه آنها توجه کرده و همچنین با استفاده صحیح از ظرفیت مراتع، به استمرار تولیدات دامی مطابق با تمایل عشایر کمک می‌کند.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

اگرچه اسکان عشایر مخالفان و موافقان زیادی دارد و علاقمندان و دوست‌داران عشایر با دلسوزی و از سر احساس مسئولیت، دغدغه‌مندانه نسبت به این جامعه ارزشمند که الگویی از زیبایی‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی است، اظهارنظر و موضع‌گیری می‌کنند، اما با نظر داشت موارد مطروحه، افزایش جمعیت عشایر، محدودیت ظرفیت منابع طبیعی برای چرای دام، برنامه‌های توسعه کشور، ضرورت ساماندهی جمعیت و هدایت

خانوار برای چرا به مدت مشخص به مراتع مورد نظر می‌برند و تا آخر فصل چرا در آنجا مستقر می‌شوند.

- رمه‌گردانی محض: در این شیوه، خانوارها در محل‌های ثابت سکونت داشته و برخی از اعضای خانوار که تمایل به دامداری در مرتع دارند، دام‌ها را به مراتع عرفی خود و مراتع اجاره‌ای می‌برند.

- کوچ‌نشینی محض: در این شیوه، به علت علاقه به زندگی کوچندگی یا تمایل نداشتن به اسکان و یا فراهم نبودن امکانات اسکان، عشایر در هیچ کدام از قطب‌های زیست‌بوم مسکن ثابت ندارند و تمام سال را در سرپناه عشایری خود زندگی می‌کنند و با وسایل زندگی و کل اعضای خانوار، تمام طول سال کوچ‌نشین هستند.

بر اساس سیاست‌های سازمان امور عشایر در برنامه راهبردی در افق (۱۴۰۴) به‌ویژه در چشم‌انداز برنامه مذکور، پیش‌بینی شده است که به منظور برخورداری عشایر از رفاه خانوار و شاخص‌های توسعه، در یکی از قطب‌های زیست‌بوم دارای مسکن مناسب باشند و برای بهره‌مندی از ظرفیت مراتع عرفی خود به صورت رمه‌گردانی به دامداری ادامه بدهند (سازمان امور عشایر ایران، ۱۳۸۴).

از طریق مقایسه و تحلیل رویکردها و گونه‌های شیوه زندگی عشایر و اسکان آنها، می‌توان بیان داشت که رویکرد مربوط به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، به‌ویژه تا سال (۱۳۲۰)، با نهمی از گزینه سه (کوچ‌نشینی محض) و ایجاد موانع برای کوچ‌نشینی همراه بوده است. در این دوره، بر شیوه اسکان کامل، بدون توجه به ظرفیت مراتع و ضرورت استفاده از این منابع، تأکید می‌شد. این رویکرد، تک‌بعدی، سخت‌گیرانه، غیرمشارکتی و بر

ارتقای بهره‌وری منابع، افزایش تولید محصولات اساسی مورد نیاز کشور و ارائه کامل خدمات رفاهی، تا سال (۱۴۰۰) جمعیتی بالغ بر ۵۳۵ هزار نفر را در حدود ۱۵۰۰ کانون و نقطه سکونت‌گاهی اسکان داده است.

توزیع جمعیت عشایری در نقاط مستعد، منجر به جلوگیری از مهاجرت عشایر به شهرها و حاشیه‌نشینی و حفظ فرهنگ و مؤلفه‌های اجتماعی عشایر شده است. از طرفی با توجه به شیوه‌های زندگی و اسکان عشایر، بهترین شیوه برای آینده، الگوی اسکان-رمه‌گردانی است تا با این گزینه هم خانوارهای عشایری همانند شهرنشینان و روستاییان از نعمت برنامه‌های توسعه بهره‌مند گردند و هم از ظرفیت منابع موجود در کانون‌های اسکان و ظرفیت مراتع موجود بهره‌برداری اصولی و پایدار صورت پذیرد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود:

- با رفع اشکالات و نقاط ضعف رویکرد موجود و کامل نمودن و ارتقای آن، مدیریت کانون‌های اسکان عشایر ادامه پیدا کند.
- ظرفیت‌های مناطق عشایری شناسایی و با طراحی پروژه‌های مناسب، آماده‌سازی منابع برای واگذاری به عشایر تجهیز شوند.
- عشایر اسکان‌یافته برای ارتقای بهره‌وری منابع موجود و در اختیار، آموزش داده شوند و مورد حمایت قرار بگیرند.
- به منظور تنوع‌بخشی بیشتر به منابع درآمدی و اشتغال عشایر اسکان‌یافته، دامداری نیمه‌صنعتی و صنایع دستی ترویج و حمایت گردد.
- در ساماندهی عشایر، تجویز نسخه واحد در مورد کوچ یا اسکان کارساز نیست، در نتیجه باید گزینه‌های پنج‌گانه شیوه

آنها در راستای تولید، ارتقای سطح انتظارات این جامعه برای دریافت خدمات زیربنایی و رفاهی عادلانه و متناسب با جوامع شهری و روستایی، می‌توان نتیجه گرفت که عشایر چه در شرایط کوچ‌نشینی و چه در شرایط اسکان و یکجانشینی باید مورد توجه واقع گردیده و از سهم خود متناسب با جمعیت و نقش‌شان در تولید و تأمین نیازهای کشور برخوردار گردند.

مدیریت اسکان عشایر بر مبنای ظرفیت‌های محیطی و منابع موجود در زیست‌بوم‌های تحت قلمرو آنها با رویکرد متوازن توسعه پایدار و با درخواست و مشارکت عشایر امری ضروری و شایان توجه است. رویکرد مبتنی بر اسکان اجباری در دوران حکومت پهلوی اول، رویکردی غیرنظام-مند و بخشی‌نگر بوده و در تأمین و ارائه خدمات زیربنایی و رفاهی مورد نیاز عشایر توفیقی نداشته و موجبات نارضایتی عشایر را فراهم آورده است. به همین دلیل، علیرغم اینکه تعداد زیادی از عشایر کوچنده با میل باطنی خود، ساکن شده بودند، اما با کاهش اجبار، تعداد زیادی از آنها، مجدداً زندگی کوچندگی را برگزیدند.

در رویکرد و سیاست‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، اگرچه نواقص و نقاط ضعفی وجود داشته، ولیکن در مجموع، عملکرد قابل‌قبولی را ارائه کرده و سازمان امور عشایر به عنوان محور این رویکرد، با مطالعه، شناسایی، طراحی، ساماندهی و آماده‌سازی منابع و کمک و هدایت عشایر متقاضی اسکان، به‌واسطه واگذاری و تجهیز بالغ بر ۲۵۴ هزار هکتار اراضی کشاورزی و اخذ مجوز و تأمین و انتقال بالغ بر ۱۱۷ هزار لیتر بر ثانیه آب، با هدف هدایت و نگهداشت عشایر مازاد بر ظرفیت منابع طبیعی در تولید و جلوگیری از افزایش فشار بر مراتع مورد تعلیف دام عشایر کوچنده، متنوع نمودن و افزایش منابع درآمدی،

سهام نویسندگان در پژوهش

این مقاله، یک نویسنده داشته است.

تضاد منافع

نویسنده اعلام می‌دارد که هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارد.

تقدیر و تشکر

نویسنده، از همه افرادی از یافته‌های پژوهش‌شان در این مقاله استفاده شد، تشکر و قدردانی می‌نماید.

زیست را برای عشایر مدنظر قرار داد و در سهولت زندگی عشایر در همه گزینه‌های مورد علاقه عشایر با اولویت اسکان و رمه‌گردانی، برنامه‌ریزی و حمایت‌های لازم را فراهم کرد.

حامی مالی

بنا به اظهارات نویسنده، مقاله فاقد حامی مالی می‌باشد.

منابع

- امان‌الهی بهاروند، سکندر. (۱۳۶۷). *کوچ‌نشینی در ایران*. تهران: موسسه انتشارات آگاه.
- رضایی، پژمان. (۱۳۹۶). بررسی جایگاه جامعه عشایری در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اقتصادی و اجتماعی کشور. *فخایر انقلاب*، ۲(۵۸)، ۳۱-۴۴.
https://www.jzepn.ir/article_207934.htm
- ریاحی، وحید و کریمی، خدیجه. (۱۳۹۶). پیامدهای اقتصادی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری (مطالعه موردی شهرک میلاد در دشت شیپلوی استان آذربایجان غربی). *فخایر انقلاب*، ۲(۵۸)، ۹۵-۱۱۲.
- سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۸۴). *سند برنامه راهبردی ساماندهی و توانمندسازی عشایر کوچنده در افق (۱۴۰۴)* (گزارش منتشرنشده)، تهران: دفتر مطالعات جامع عشایر - سازمان امور عشایر ایران.
- سازمان امور عشایر ایران. (۱۳۹۲). *مطالعات ارزیابی اسکان عشایر* (گزارش منتشرنشده)، تهران: دفتر مطالعات جامع عشایر - سازمان امور عشایر ایران.
- صالحی، اصغر. (۱۳۸۴). ارزشیابی اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های ساماندهی عشایر در کانون‌های گل‌افشان و چشمه-رحمان اصفهان. *مجموعه مقالات ساماندهی جامعه عشایر ایران*، تهران: نقش بیان با همکاری سازمان امور عشایر ایران.